

تأثیر روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری با تأکید بر نقش تعدیلی کیفیت کنترل داخلی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

سید محمد بخشایش^{۱*}

فاطمه تنگستانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر در پی پاسخی به این سؤال است که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد در ضمن، کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری چه تأثیری دارد. جهت آزمون فرضیه های فوق نمونه ای متشکل از ۱۳۵ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ انتخاب گردید. نتایج نشان می دهد که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش روابط اجتماعی هیأت مدیره، محافظه کاری حسابداری کاهش می یابد. همچنین کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت کنترل داخلی، تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تقویت می گردد.

واژگان کلیدی

روابط اجتماعی، هیأت مدیره، محافظه کاری، کیفیت کنترل داخلی

۱. گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خرد بوشهر، دانشگاه غیرانتفاعی، استان بوشهر، ایران.

مقدمه

در مفاهیم نظری گزارشگری ایران، محافظه کاری یا به تعبیری احتیاط به عنوان یکی از زیر ویژگی های کیفی اطلاعات مطرح است و در طرف دیگر مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام یا به تعبیری محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری، از ویژگی های کیفی یعنی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری ناشی می شود (کردستانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۱).

تأثیر ارتباطات اجتماعی بین مدیران عامل و هیئت مدیره آنها به طور گسترده در تحقیقات، استراتژی و تحقیقات حاکمیت شرکتی مورد مطالعه قرار گرفته است. روابط مدیر عامل و هیئت مدیره در این مطالعه به وجود تجربه های مشابه آموزشی، تجارب استخدام یا روابط خانوادگی شخصی بین مدیر عامل و هیئت مدیره اشاره دارد (باتلر و گرون، ۲۰۱۲؛ فراکاسی و تات، ۲۰۱۲؛ نگیون، ۲۰۱۲). دو نتیجه گیری اصلی می تواند از مطالعات قبلی در مورد تأثیر روابط اجتماعی هیئت مدیره مدیره گرفته شود. اولاً، روابط مدیر عامل و هیئت مدیره تمایل به کاهش اثر بخشی هیئت مدیره دارند. این مطالعات نشان داد روابط اجتماعی هیئت مدیره ظرفیت مکانیسم نظارت هیئت مدیره را مختل می کند. به عنوان مثال، لارکر و همکاران (۲۰۰۵) اظهار داشتند که روابط اجتماعی هیئت مدیره از اثربخشی نظارت هیئت مدیره برای نقض استقلال مدیران خارجی می کاهد. گوئچ و بارنیا (۲۰۰۹) دریافتند که روابط اجتماعی هیئت مدیره مدیره نه تنها سازوکار نظارت بر مدیران عامل را "نرم" می کند بلکه همچنین قدرت مذاکره مدیرعامل با هیئت مدیره را برای منافع خصوصی بیشتر، مانند جبران خسارت و تصدی، بهبود می بخشد. ثانیاً، روابط اجتماعی هیئت مدیره مدیره اثر بخشی فرایند تصمیم گیری استراتژیک را مختل می کند. مطالعات نشان می دهد که عدم استقلال در هیئت مدیره که ارتباطات اجتماعی با مدیر عامل دارند، منجر به از دست دادن کنترل در فرایندهای تصمیم گیری استراتژیک می شود. مدیران عامل هیئت مدیره را تا حد زیادی منفعل و بدون درگیر شدن در فرایندهای تصمیم گیری استراتژیک فرض می کنند که مدیران هیئت مدیره طرفدار آن هستند (وید و همکاران، ۱۹۹۰). مدیران غیرموظف احساس وظیفه اجتماعی می کنند که از تصمیماتی که مدیر عامل شرکت طرفداری می کنند حمایت کنند (وید و همکاران، ۱۹۹۰). با توجه به مطالب بیان شده انتظار می رود که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی داشته باشد.

کنترل داخلی، سیستمی پویاست که انواع ریسک ها و تهدیدها و انحراف از سیاست ها و رویه ها را پوشش می دهد (چورافاس، ۲۰۰۷). مدیریت و کارکنان در همه سطوح مجبور و ملزم به ارتباط با این سیستم هستند تا ریسکها را شناسایی کرده و اطمینان معقولی از دستیابی به رسالت سازمان و هدف های کلی آن به دست آورند. در واقع، کنترل های داخلی یک رویداد یا وضعیت خاص نیست؛ بلکه مجموعه ای از اقدامهای پی در پی و فراگیر است که به همه فعالیت های سازمان نفوذ و تسری پیدا می کند. این اقدامها در گستره عملیات یک سازمان و به شکلی مستمر روی می دهد. آنها در مسیری که مدیریت سازمان را اداره می کند و پیش می برد، به صورتی فراگیر و جدایی ناپذیر از آن وجود دارند (شعری و آذین فر، ۱۳۸۶) از دیدگاه نظام راهبری شرکت ها، کنترل های

داخلی به عنوان بخشی از سازمان باید نسبت به انواع خطرهایی که سازمان با آن روبه رو است، واکنش نشان دهد (جوکیپی، ۲۰۰۹). به کارگیری سیستم کنترل های داخلی اثربخش در واحدهای اقتصادی موجب افزایش اثربخشی و کارایی عملیات، کسب اطمینان معقول از قابلیت اعتماد گزارش دهی و رعایت قوانین و مقررات می شود. در واقع، سیستم کنترل داخلی اثربخش این اطمینان را می دهد که هدفهای سازمان با هزینه های معقولی انجام خواهد شد (جوکیپی، ۲۰۰۹). کمیسیون بورس اوراق بهادار اجرای بند ۴۰۴ قانون ساربینز-اکسلی را مستلزم وجود چارچوب کنترل داخلی می داند معمولاً مسئولیت این چارچوب بر عهده هیئت مدیره است و این چارچوب باید شامل پنج جزء باشد. مدیران موسسات و سازمانها توجه وافری به سیستم های کنترل داخلی دارند مدیران به خوبی می دانند در نبود یک سیستم کنترل داخلی اثر بخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیر منتظره بسیار مشکل است و سیستم کنترلی وسیله ایست که موجب می شود، نسبت به ارقام و اطلاعات حسابداری اطمینان بیشتری بیابند و اعداد و اطلاعات مذکور را مبنای تصمیمات خود قرار دهند و همچنین آنان را مطمئن می سازد که سیستم و روشهای صحیح مالی و اداری در داخل موسسه ایشان به طور کامل اجراء می شود (ارجمند نژاد، ۱۳۸۵). صاحبان سرمایه و سایر اشخاص ذی نفع در واحدهای اقتصادی تصور می کنند کنترل های داخلی ابزار دستیابی به اهداف واحد اقتصادی هستند (حساس یگانه و نتاج ملکشاه، ۱۳۸۵). کنترل داخلی فرایندی بنیادی و پویاست که خود را به طور مداوم با تغییرات رو در روی سازمان هماهنگ و منطبق می سازد. مدیریت و کارکنان در همه سطوح مجبور و ملزم به ارتباط با این فرآیند هستند تا ریسکها را شناسایی و اطمینان معقولی از دستیابی به رسالت سازمان و هدفهای کلی آن کسب کنند. پس کنترلهای داخلی مجموعه اقداماتی است که مدیران برای تامین اطمینان نسبی از اجرای صحیح امور و مطابقت آن با مقررات و سیاستهای وضع شده انجام می دهند تا کارآیی و سودمندی عملیات را بالا برده و به هدفهای از قبل تعیین شده دست یابند. به عبارت دیگر، کنترلهای داخلی شامل طرح سازمان و تمامی رویه های هماهنگ پذیرفته شده در یک سازمان است که برای حفاظت از داراییها، رسیدگی به درستی و اتکاپذیری داده های حسابداری، ارتقای کارآمدی عملیات و تشویق جهت پیروی از رویه های مدیریتی تجویز شده است (عباس زاده و محمدی، ۱۳۹۰).

شرکت های با کیفیت خوب نظام راهبری شرکتی و یا ساختار هیأت مدیره مدیره مناسب انتظار می رود ضعف های کنترل داخلی کمتر و کیفیت کنترل داخلی بالایی داشته باشند (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۷). کنترل های داخلی یکی از مکانیزم های متعددی است که واحدهای تجاری برای کنترل مسأله نمایندگی مورد استفاده قرار می دهند (جاوید و همکاران، ۱۳۹۲). شرکت ها برای گزارشگری کنترل داخلی انگیزه اقتصادی دارند و مطالعات نشان داده اند که کنترل داخلی هزینه های نمایندگی را کاهش می دهد. این یافته ها بر این فرض مبتنی است که تهیه اطلاعات اضافی برای کارگزاران (سهامداران) در مورد رفتار نماینده (مدیریت) عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سرمایه گذار را کاهش و محافظه کاری را افزایش داده و این خود منجر به کاهش هزینه سرمایه می شود (لی و همکاران، ۲۰۰۹). کنترل های داخلی از آنجا متولد شده است که نیاز به هدایت و نظارت بر فعالیت ها و عملیات های شرکت، جهت حصول اطمینان از تحقق

اهداف شرکت به وجود آمد. در واقع کنترل داخلی، سیستمی پویاست که انواع و اقسام ریسک ها و تهدید ها و انحراف از سیاست ها و رویه ها را پوشش می دهد (چورافاس، ۲۰۰۷). هر شرکت با توجه به ماهیت و ویژگی های عملیاتی خود، دارای کنترل های داخلی متفاوت از سایرین می باشد (آلتامور، ۲۰۱۰).

با توجه به مطالب بیان شده انتظار می رود که کیفیت کنترل داخلی بر محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبتی داشته باشد و باعث تضعیف تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری گردد.

با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر در پی پاسخی به این سؤال است که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد در ضمن، کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری چه تأثیری دارد؟

مبانی نظری

محافظه کاری با نظام راهبری شرکتی (از جمله هیأت مدیره و کنترل داخلی) رابطه نزدیکی داشته و هر دو نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه های نمایندگی در قراردادها ایفا می کند. محافظه کاری می تواند رفتار فرصت طلبانه مدیریت شرکت در گزارشگری مالی را محدود نماید و به نوبه خود منجر به کاهش هزینه های نمایندگی در شرکت ها گردد. محافظه کاری باعث شناسایی به موقع زیان ها و کاهش احتمال ورشکستگی شرکت ها و سقوط آن ها می گردد. چنین استنباط می شود که شرکت های با کیفیت کنترل داخلی بالا و روابط اجتماعی پایین بدلیل بالا بودن کیفیت گزارشگری مالی، از روش های محافظه کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده کرده، در حالی که شرکت های با کیفیت کنترل داخلی پایین و روابط اجتماعی بالا کیفیت گزارشگری مناسبی نداشته و انگیزه بیشتری برای رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت. براساس این دیدگاه، نظارت بهتر هیأت مدیره و کیفیت کنترل داخلی، منجر به محافظه کاری بیشتر در صورت های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورتهای مالی و اطمینان از عدم انجام اقدامات یکجانبه مدیریت به نفع خویش می گردد (ووچان چی، ۲۰۰۹).

به دلیل نقش و اهمیت محافظه کاری، هیأت مدیره و کنترل داخلی در کاهش ریسک گزارشگری مالی و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و به دلیل اینکه بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که تاکنون پژوهشی در زمینه تأثیر روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری و نقش تعدیلی کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین آنها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت نگرفته است انجام پژوهشی در این زمینه از ضرورت ویژه ای برخوردار است و می تواند باعث توسعه و گسترش مبانی نظری در حوزه محافظه کاری و ساختار هیأت مدیره گردد.

فروضات تحقیق به شرح زیر می باشد:

- فرضیه ۱: روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه ۲: کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری تأثیر معناداری دارد.

پیشینه تحقیق

خلیف و ساماها (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «استقلال هیأت مدیره و کیفیت کنترل داخلی در مصر: آیا دوگانگی وظیفه مدیر عامل با اهمیت است؟» استقلال هیأت مدیره بر کیفیت کنترل داخلی تأثیر مثبت ولی نامعناداری دارد. در ضمن نتایج نشان می دهد که دوگانگی وظیفه مدیر عامل رابطه بین استقلال هیأت مدیره و کیفیت کنترل داخلی را تعدیل می کند.

چانگ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ویژگی های حسابرسی داخلی بر اثربخشی کنترل داخلی در عملیات و رعایت» به این نتیجه رسیدند که تیم حسابرسی بزرگتر عملکرد حسابرسی داخلی را در عملیاتی و رعایت بهبود می بخشد در حالی که شایستگی حسابرسی داخلی بر اثربخشی کنترل داخلی در رعایت تأثیر مثبتی دارد.

پورحسن سنگری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر شدت ضعف در کنترل های داخلی بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که ضعف در کنترل های داخلی تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت سود دارد. به بیان دیگر، وجود ضعف در کنترل های داخلی کیفیت سود شرکت ها را کاهش می دهد. نتایج همچنین نشان داد که شدت ضعف در کنترل های داخلی مرتبط با قسمت حسابداری شرکت اثر منفی و معناداری بر کیفیت سود دارد و بین شدت ضعف در کنترل های داخلی مرتبط قسمت غیرحسابداری شرکت و کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

قادری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش توانایی مدیریت در ارتقای کیفیت کنترل داخلی» به این نتیجه رسیدند که بین پاداش مدیران و کیفیت کنترل داخلی ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان دهنده ارتباط منفی بین متغیر کارایی مدیران و ضعف در سیستم کنترل داخلی نشان از ارتقای سیستم کنترل داخلی در سایه توانایی مدیران می باشد.

تجزیه و تحلیل

متغیر وابسته:

محافظه کاری حسابداری (CSCORE): به پیروی از لئینگ و لیثو* (۲۰۱۷) به منظور اندازه گیری محافظه کاری حسابداری از امتیاز محافظه کاری سال-شرکت خان و واتز† (۲۰۰۹) استفاده می کنیم که منعکس کننده عدم تقارن زمانی شرطی با توجه به نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB)، اهرم مالی (LEV) و اندازه شرکت (SIZE) می باشد. مدل خان و واتز (۲۰۰۹) به شرح زیر می باشد:

رابطه (۱)

$$Et/Pt-1 = \alpha 0 + \alpha 1DRt + \alpha 2RETt + \alpha 3DRt \times RETt + BMt-1 \times (\alpha 4DRt + \alpha 5RETt + \alpha 6DRt \times RETt) + LEVt-1 \times (\alpha 7DRt + \alpha 8RETt + \alpha 9DRt \times RETt) + SIZEt-1 \times (\alpha 10DRt + \alpha 11RETt + \alpha 12DRt \times RETt) + \gamma 1BMt-1 + \gamma 1LEVt-1 + \gamma 1SIZEt-1 + \epsilon t$$

در این مدل، $Et/Pt-1$ نشان دهنده نسبت سود خالص در سال t بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در سال $t-1$ بازده سالانه سهام در سال t ؛ DRt یک متغیر مجازی است در صورتی که $RETt$ منفی باشد عدد یک و در غیر اینصورت

* - Leang and Leu

† - Khan and Watts

عدد یک تعلق می گیرد. MB نشان دهنده نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری، LEV نشان دهنده کل بدهی بر کل دارایی ها و SIZE نشان دهنده لگاریتم طبیعی کل دارایی ها می باشد (ین و همکاران، ۲۰۲۰).

متغیر مستقل:

روابط اجتماعی هیأت مدیره (Social_tie): به منظور سنجش این متغیر از معیار استفاده شده در پژوهش های ین و همکاران (۲۰۲۰)، دی و همکاران (۲۰۱۱)، کوهن و همکاران (۲۰۱۲) بهره گرفته می شود. متغیر روابط اجتماعی هیأت مدیره یک متغیر ساختگی است در صورت اکثریت اعضای هیأت مدیره شرکت دارای پیشینه فرهنگی (تحصیل در دانشگاه یکسان، تولد و رشد در یک شهر یکسان و یا سابقه کاری بیش از ۵ سال با یکدیگر) باشند عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد (ین و همکاران، ۲۰۲۰).

متغیر تعدیل گر:

کیفیت کنترل داخلی (ICQ): طبق بخش ۳۱۵ استاندارد حسابداری ایران، کنترل داخلی فرایندی است که به وسیله مدیریت و سایر کارکنان طراحی و اجرا می شود تا از دستیابی به هدف های واحد مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثر بخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوطه، اطمینانی معقول بدست آید. از این رو کنترل های داخلی برای شناسایی آن دسته از خطر های تجاری طراحی و اجراء می شوند که دستیابی به هر یک از این اهداف را تهدید می کند در تعریفی دیگر کنترل داخلی را می توان به عنوان فرایندی در نظر گرفت که از جانب هیأت مدیره، مدیران و دیگر کارکنان موسسه، به منظور کسب اطمینان معقول از اهدافی همچون: اثر بخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد صورت های مالی، پذیرش و رعایت قوانین برقرار می شود (جاوید و همکاران، ۱۳۹۴).

برای سنجش ضعف در کنترل داخلی از نقاط ضعف بااهمیت کنترل های داخلی استفاده می گردد که از گزارش حسابرسان مستقل به دست می آید. طبق چک لیست کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۹۱ به بعد حسابرس شرکت مکلف شده است کنترل های داخلی شرکت را بررسی نموده و مواردی که حاکی از عدم رعایت یا عدم اجرای مطلوب کنترل های داخلی میباشد را در گزارش حسابرسی افشا کند؛ بنابراین، تمرکز پژوهش حاضر بر بندهای ذیل مسئولیت های قانونی گزارش حسابرسی شرکت ها می باشد. از این رو، مشابه با پژوهش مانسیف و همکاران (۲۰۱۲)، اگر شرکت حداقل یک ضعف در سیستم کنترل های داخلی داشته باشد مقدار این متغیر عدد صفر در غیر این صورت عدد یک تعلق خواهد بود (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۶). به طور خلاصه اطلاعات مربوط به کیفیت کنترل داخلی از گزارش حسابرس مستقل استخراج خواهد شد. اگر گزارش حسابرس مستقل حاوی حداقل یک بند توضیحی در خصوص ضعف در سیستم کنترل های داخلی داشته باشد مقدار این متغیر عدد صفر در غیر این صورت عدد یک تعلق خواهد بود.

متغیرهای کنترلی:

مالکیت سهامدار عمده (TOP1): از طریق تقسیم تعداد سهام تحت تملک بزرگترین سهامدار شرکت بر تعداد سهام منتشره شرکت اندازه گیری می شود (ین و همکاران، ۲۰۲۰).

مالکیت سهامداران نهادی (INST): از طریق تقسیم تعداد سهام تحت تملک سهامداران نهادی (مانند بانک ها، صندوق های سرمایه گذاری، صندوق های بازنشستگی و ...) بر تعداد سهام منتشره شرکت اندازه گیری می شود

مالکیت دولتی (STATE): یک متغیر ساختگی است در صورتی که بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت تحت تملک دولت یا نهادهای وابسته به دولت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد (ین و همکاران، ۲۰۲۰).
عمر شرکت (AGE): از طریق لگاریتم طبیعی تعداد سال های تأسیس شرکت تا سال جاری اندازه گیری می شود (ین و همکاران، ۲۰۲۰).

بازده دارایی ها (ROA): از طریق تقسیم سود (زیان) خالص بر کل دارایی ها بدست می آید (ین و همکاران، ۲۰۲۰).

مدل های عملیاتی تحقیق:

به پیروی از ین و همکاران (۲۰۲۰) به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر بهره گرفته می شود:

مدل آزمون فرضیه ۱:

رابطه (۲)

$$CSCORE_{it} = \beta_0 + \beta_1 Social_tie_{it} + \beta_2 TOP1_{it} + \beta_3 INST_{it} + \beta_4 STATE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه ۲:

رابطه (۳)

$$CSCORE_{it} = \beta_0 + \beta_1 Social_tie_{it} + \beta_2 ICQ_{it} + \beta_3 Social_tie_{it} * ICQ_{it} + \beta_4 TOP1_{it} + \beta_5 INST_{it} + \beta_6 STATE_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل های فوق:

CSCORE: محافظه کاری حسابداری

Social_tie: روابط اجتماعی هیأت مدیره

ICQ: کیفیت کنترل داخلی

TOP1: مالکیت سهامدار عمده

INST: مالکیت سهامداران نهادی

STATE: مالکیت دولتی

AGE: عمر شرکت

ROA: بازده دارایی ها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق روش داده های پانل می باشد. در ادامه ابتدا روش داده های پانل و آزمون های مربوط به آن تشریح می گردد. سپس آزمون های مربوط به معنی دار بودن کل مدل و معنی دار بودن متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. در آخر نیز پس از تشریح آزمون های مربوط به مفروضات رگرسیون کلاسیک، نحوه تصمیم گیری در مورد رد یا پذیرش فرضیه های تحقیق بیان می گردد. تحلیل آماری داده ها نیز به کمک نرم افزارهای Excel نسخه ۲۰۱۰ و E-views نسخه ۸ انجام خواهد شد.

جدول (۱) آمار توصیفی

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانۀ	حد اکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
محافظه کاری حسابداری	C _{SCORE}	945	0.016	0.014	0.528	-0.585	0.128	-0.067	5.195
روابط اجتماعی هیأت مدیره	Social_tie	945	0.361	0	1	0	0.481	0.579	1.336
کیفیت کنترل داخلی	ICQ	945	0.554	1	1	0	0.497	-0.219	1.048
مالکیت سهامدار عمده	TOP1	945	0.416	0.420	0.900	-0.050	0.222	-0.056	2.398
مالکیت سهامداران نهادی	INST	945	0.569	0.570	0.890	0.210	0.140	-0.080	2.495
مالکیت دولتی	STATE	945	0.375	0.380	0.480	0.200	0.063	-0.706	2.848
عمر شرکت	AGE	945	3.665	3.784	4.205	2.639	0.342	-0.789	2.717
بازده دارایی ها	ROA	945	0.105	0.088	0.631	-0.404	0.134	0.478	4.847

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه ۱: روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری تأثیر معناداری دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴-۹) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱,۹۲۸ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۵,۱٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، مالکیت سهامدار عمده، مالکیت دولتی و عمر شرکت بر محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارند. در حالی که مالکیت سهامداران نهادی و بازده دارایی ها بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر روابط اجتماعی هیأت مدیره، ۰.۰۱۶۶۰۱- بوده که نشان دهنده تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر روابط اجتماعی هیأت مدیره در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱ را تأیید کرد. این موضوع نشان دهنده این است که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری

تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش روابط اجتماعی هیأت مدیره، محافظه کاری حسابداری کاهش می یابد.

جدول (۲): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

$$C_{SCORE\ it} = \beta_0 + \beta_1 Social_tie_{it} + \beta_2 TOP1_{it} + \beta_3 INST_{it} + \beta_4 STATE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	t آماره	احتمال
مقدار ثابت	C	0.016905	0.005334	3.169131	0.0018
روابط اجتماعی هیأت مدیره	Social_tie	0.016601	0.007245	2.291569	0.0222
مالکیت سهامدار عمده	TOP1	0.038397	0.010657	3.602940	0.0003
مالکیت سهامداران نهادی	INST	0.095327	0.030278	3.148424	0.0019
مالکیت دولتی	STATE	0.077064	0.037733	2.042350	0.0414
عمر شرکت	AGE	0.068696	0.030787	2.231335	0.0267
بازده دارایی ها	ROA	0.417197	0.034595	12.05931	0.0000
ضریب تعیین تعدیل شده		0.451			
دوربین-واتسون		1.928			
F آماره		86.099			
احتمال (آماره F)		0.0000			

فرضیه ۲: کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری تأثیر معناداری دارد. به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴-۹) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱,۹۳۲ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۷,۹٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، مالکیت سهامدار عمده، مالکیت دولتی و عمر شرکت بر محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارند. در حالی که مالکیت سهامداران نهادی و بازده دارایی ها بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی روابط اجتماعی هیأت مدیره* کیفیت کنترل داخلی، 0.045784 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی روابط اجتماعی هیأت مدیره* کیفیت کنترل داخلی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲ را تأیید کرد.

این موضوع نشان دهنده این است که کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت کنترل داخلی، تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تقویت می گردد.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

$$C_{SCORE\ it} = \beta_0 + \beta_1 Social_tie_{it} + \beta_2 ICQ_{it} + \beta_3 Social_tie_{it} * ICQ_{it} + \beta_4 TOP1_{it} + \beta_5 INST_{it} + \beta_6 STATE_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	t آماره	احتمال
مقدار ثابت	C	0.015207	0.005361	2.836324	0.0050
روابط اجتماعی هیأت مدیره	Social_tie	0.020405	0.009472	2.154332	0.0315
کیفیت کنترل داخلی	ICQ	0.088198	0.018303	4.818725	0.0000
روابط اجتماعی هیأت مدیره* کیفیت کنترل داخلی	Social_tie*ICQ	0.045784	0.019055	2.402674	0.0172
مالکیت سهامدار عمده	TOP1	0.038874	0.010679	3.640156	0.0003
مالکیت سهامداران نهادی	INST	0.087737	0.030694	2.858464	0.0047
مالکیت دولتی	STATE	0.075561	0.037780	2.000028	0.0458
عمر شرکت	AGE	0.065527	0.027198	2.409218	0.0169
بازده دارایی ها	ROA	0.415552	0.034719	11.96894	0.0000
ضریب تعیین تعدیل شده		0.479			
دوربین-واتسون		1.932			
F آماره		94.321			
احتمال (آماره F)		0.0000			

نتیجه گیری

بر اساس فرضیه ۱ انتظار می رود که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری تأثیر معناداری داشته باشد. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش روابط اجتماعی هیأت مدیره، محافظه کاری حسابداری کاهش می یابد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش انجام شده توسط یین و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین استقلال هیأت مدیره و محافظه کاری رابطه معنی دار وجود دارد. هم چنین بتای مدل رگرسیون بیان می کند که این رابطه به صورت منفی می باشد به عبارتی با افزایش استقلال هیأت مدیره، رغبت برای گزارشگری محافظه کارانه کاهش پیدا می کند. بدین ترتیب فرضیه اول مورد تایید قرار می گیرد.

از آنجا که مسئولیت‌های اعضای موظف هیأت مدیره ارتباط نزدیکی با مدیرعامل دارد، انتظار می‌رود وظیفه نظارت بر مدیریت عمدتاً بر عهده اعضای غیرموظف هیأت مدیره قرار گیرد، بنابراین اعضای غیرموظف هیأت مدیره از جایگاه مهمی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و مالکان برخوردارند. در این راستا برخی تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که هیأت مدیره‌هایی که اعضای غیرموظف در آن‌ها تسلط دارند، بیشتر در راستای منافع سهام‌داران گام برداشته و با احتمال بیشتری مانع عملکرد ضعیف اعضای هیأت مدیره می‌شوند. هم‌چنین مشخص شده است که شرکت‌های دارای هیأت مدیره با اکثریت اعضای غیرموظف، کمتر درگیر تقلب‌های حسابداری هستند.

بین و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری: کیفیت کنترل داخلی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر» به این نتیجه رسیدند که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارد و کیفیت کنترل داخلی باعث تقویت تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری می‌گردد.

براساس فرضیه ۲ انتظار می‌رود که کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری تأثیر معناداری داشته باشد. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می‌دهد که کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین روابط اجتماعی هیأت مدیره و محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت کنترل داخلی، تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تقویت می‌گردد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش انجام شده توسط بین و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد. با توجه به این که در اهمیت حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت‌ها و رفاه اجتماعی شکی نیست و اصلاح و ارتقا حاکمیت شرکتی موجب توسعه بازار سرمایه خواهد شد و رشد و توسعه اقتصادی را به همراه خواهد داشت. براساس مبانی نظری و پیشینه عملی در سراسر دنیا، برای اطمینان از کارکرد مناسب شرکت‌ها و بازار سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ارتقا حاکمیت شرکتی ضرورت حیاتی دارد. در کشور ما نیز اخیراً نه با قانون، بلکه با تصویب آیین‌نامه اصول حاکمیت شرکتی، روش‌های نظارت و کنترل بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد توجه قرار گرفته است و مقررات متعدد و مناسبی جهت گسترش بازار سرمایه توسط مسئولان بورس تدوین و به اجرا گذاشته شده است، لکن برای ارتقا سیستم حاکمیت شرکتی کافی به نظر نمی‌رسد. افزون بر آن، بدون انجام اصلاحات اساسی در سیستم حاکمیت شرکتی، عرضه سهام شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی سرمایه، غیرممکن بوده و ورود گسترده سرمایه‌گذاران خارجی در بازار سرمایه نیز بعید به نظر می‌رسد. لذا با توجه به تأثیر منفی استقلال هیأت مدیره بر محافظه کاری و هم‌چنین عدم تأثیر تعداد اعضای هیأت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر افزایش استفاده از روش‌های محافظه کارانه به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر ارگان‌های مسئول پیاده‌سازی سیستم حاکمیت شرکتی پیشنهاد و تأکید می‌شود تا با اجرای مکانیزم‌های کارآمد سیستم حاکمیت شرکتی را در کشورمان ارتقا دهند. بین و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری: کیفیت کنترل داخلی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر» به این نتیجه رسیدند که روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارد و کیفیت کنترل داخلی باعث تقویت تأثیر منفی روابط اجتماعی هیأت مدیره بر محافظه کاری حسابداری می‌گردد.

براساس نتایج و یافته‌های پژوهش، دو دسته پیشنهاد مطرح می‌گردد. نخست، پیشنهادهای کاربردی که امید می‌رود استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و مالی به ویژه سرمایه‌گذاران را در امر تصمیم‌گیری یاری نماید و دوم، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی که می‌تواند راهنمایی برای پژوهش‌های بعدی درباره موضوع پژوهش باشد.

منابع

ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ ممشلی، رضا (۱۳۹۵). تأثیر بحران مالی بر کیفیت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۴۳۴-۴۱۵.

اسدی، غلام حسین و بیات، مرتضی. (۱۳۹۴). "تأثیر حسابداری محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی بر ارزش شرکت" فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هشتم، شماره بیست و چهارم، بهار ۱۳۹۴، صص ۱-۱۲.

ایزدی‌نیا، ناصر و سید یاسر نظرزاده (۱۳۸۸)، بررسی ارتباط کیفیت سود و بازده سهام، مجله توسعه و سرمایه، شماره ۳، صص ۱۱۰-۸۷.

پورزمانی، زهرا؛ جهانشاد، آرزیتا؛ کاشانی، محمود (۱۳۹۱)، پایداری سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر قابلیت اتکای اقلام تعهدی، فصلنامه تحقیق‌های مدیریت، شماره‌های ۹۴ و ۹۵، صص ۵۷-۶۶.

پیری، پرویز؛ قربانی، ماریه (۱۳۹۶). ارزیابی رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرس مستقل و کیفیت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۵۰۲-۴۸۳.

تالانه، عبدالرضا؛ کاظمی، مرضیه (۱۳۹۵). محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۴۶۰-۴۳۵.

جاوید، داریوش؛ دستگیر، محسن؛ عرب صالحی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر محافظه‌کاری مشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی تحقیقی حسابداری مالی، شماره ۲۶، صص ۱۲۵-۱۵۱.

جمالیان پور، مظفر؛ ثقفی، علی (۱۳۹۲)، "اقلام تعهدی غیر منتظره، انحراف پایداری سود و بحران مالی"، مجله دانش حسابداری، سال چهارم، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۲، صص ۷ تا ۳۳.

جواهری، اسماعیل (۱۳۸۵). قانون ساریبینز-آکسلی، مجله حسابرس، شماره ۳۵، صص ۱-۵.

حاجیها، زهره؛ محمد حسین نژاد، سهیلا (۱۳۹۴). عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی، تحقیق‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۶، صص ۱۹۹-۱۳۷.

حضور، محمد جواد؛ گرد، عزیز؛ گلدوست، مجید (۱۳۹۴). عوامل موثر بر بروز نارسایی در سیستم کنترل‌های مالی دستگاه‌های اجرایی، دانش حسابرسی، شماره ۵۹، صص ۱۹-۴۱.

Ahmed, A., Billings, B., Morton, R. & Stanford-Harris, M. (2002). The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review*, (77): 867-890.

Ball, R and L. Shivakumar (2005). Earnings quality in U.K. private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics* 39 (1), 83-128

Ball, R., Kothari S.P. & Valeri, N. (2013). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88 (3): 755-787.

Donovan, j., Frankel, R., and Martin, X. (2013). Accounting Conservatism and Creditor Recovery Rate. [on line], <http://www.ssm.com>.

- Hendriksen, E.S. & Berda, M. F. (1992). *Accounting Theory*, 5th Edition, Irwin: Pence-Hill.
- Hui, K., Matsunaga, S., Morse. D. (2010). The impact of conservatism on management earnings forecasts. *Journal of Accounting & Economics*, 47(3), 192-207.
- Ismail, T.H., Elbolok, R.M. (2011). Do conditional and unconditional conservatism impact earnings quality and stock prices in Egypt? *Research Journal of Finance and Accounting*, 2(12), 7-21.
- Lara, Garcia, J., Garcia Osma, B., Penalva, F. (2009). Conditional conservatism and firm investment efficiency. Online: <http://www.ssrn.com>.
- Lee, J. (2011). The Role of Accounting Conservatism in firms' Financial Decisions. *Journal of Accounting and Economic*. 50, 150-203.
- Pierre Thijssen, Maximiliaan Willem, Iatridis, George Emmanuel, Conditional conservatism and value relevance of financial reporting: a study in view of converging accounting standards. *Journal of Multinational Financial Management*
<http://dx.doi.org/10.1016/j.mulfin.2016.10.001>
- Ruch, W., Taylor, G. (2011). Accounting conservatism and its effects on financial reporting quality: A review of the literature. Online: <http://www.ssrn.com>.